



روزنامه جوان | شماره ۶۷۴۹|

## پیشخوان

روایت درویش خان همگام با روایت تاریخ

آن که دستان هنرمندش به زخم نشست!

سهیلا عباسپور



رمان به ترتیب پی آمده آغاز می‌شود: «ام من قمر است؛ نامی که پدرم بر من نهاد و همواره من را ماه آسمان زندگی خود می‌نامید. پدرم، غلامحسین،

فرزند حاجی بشیر طالقانی بود و به لقب درویش خان شهرت داشت. من تنها فرزند او و مادرم، بدرالسادات هستم. در شیراز و در باغ شماع‌السلطنه، یکی از پسران متعدد مظفرالدین شاه قاجار، به دنیا آمدم، اما بیشترین سال‌های عمرم در تهران گذران شده است. در خانه‌ای کوچک و پر از گل و گیاه و بوی عطر و محبت، در خیابانی کهنسال که در نزدیکی میدان بهارستان و پشت عمارت مجلس شورای ملی واقع بود. میدان بهارستان پس از انقلاب مشروطیت، همواره پر آشوب و بی‌ارامش بود. جدال آزادیخواهان با طرفداران استبداد، چه در داخل عمارت مجلس و چه در میدان بهارستان. سال‌های مدید آن منطقه را به کانون پر آشوب جدل‌های لفظی و نزاع‌های بی‌رحمانه و خشونت‌بار و خونین تبدیل کرده بود… درویش خان همانگونه که بر جلد خود دارد، یک رمان عاشقانه در باره موسیقی است، اما خطوط فوق آمده نشان داد پیش از هر چیز، نگاه به روایت تاریخ دارد، اما در وهله نخست، مناسب است که قدری صاحبانم کتاب- که حسن هدایت او را به روایت نشسته است- بیشتر بشناسیم:

«درویش خان روایت هنر است؛ هنری اصیل و متعریف از پس زبر و هم سده‌های پر هیبت و سرشار از حادثهٔ حیات اجتماعی ملتی عاشق و هنردوست که میراث نیاکانش را چونان



تصویری از درویش خان، در دوران جوانی

گنجینه‌ای اثری، در پیوند با شرافت و آزادگی، مقدس و مطهر می‌نمایند. آنچنان که آن هنر والا در تاریخ کهنه و ساجستگی با شرع، چون از زمهریر عشاق سینه‌چاک وطن برآمده بود که دلواپس پایداشت گنجینه بودند، هر بار پیروزمندانتر و متعالی تر گردن افراشت و در گردونه تاریخ این مرز پر گهر طنین انداخت و اعجاز و الهام، با نگاهی تجیب و مشتاق به سوی گشودن درچه‌هایی از شور می‌تازه، چنان هموار چایک که از جولان زمانه و طبع سخت پسند شوندگان باز نماند و در همان حال به تار رفیق دیرینه هم‌رازش وفادار بماند. درویش به سختی معاش می‌گذراند، دستان هنرمندش به زخم می‌نشیند، غضب حاکم را بر جان می‌خرد و از نامردمی‌ها به ستوه می‌آید، اما همچنان وفادار آیین و مسلک استادش حسینقلی خان، نوازنده شهیدت عاشق دیگری است که نوای تارش از پس نماز صبح چونان تعقیباتی روح نواز و جان‌فزا، در سپیده دمان عشق را در کالبد خسته شهر می‌پرکند و درویش را از جذبه‌ای روحانی سرشار می‌کند که بی‌اختیار از صدای تار استاد به گریه می‌افتد. توصیف این لحظه به اعتبار هنر بیان روایتگر، چنان قدرتی دارد که جان خواننده را در مرز واقعیت و رؤیا، در حد فاصل استاد و شاگرد به تماشا می‌برد و جان به اعتبار خوداگاهی فطری‌اش که رو به سوی قداست و خلوص دارد، در جست‌وجوی ریشه‌های کنونی خود به‌ر آنچه به دروغ نام هنر بر آن است، در این هنگامه تپیی از معنا و بریده از آفاق حکمت و ادب، بر مهجوریت هنر متعهد شیون کند و به تلخی بگرید…».

نیما احمدپور

آنان که تاریخچه روابط ایران و اسرائیل و نیز شرایط امروزین بنیامین نتانیاہو، نخست وزیر اکنون آن را می‌دانند، مسفر علنی فرزند شاه مخلوع به اسرائیل ومیاهی شدن به گفت‌وشنودبا فردی را که در کشور خویش نیز جایگاه خود را دست داده است، یک نابخردی تاریخی و ماندگار قلمداد می‌کنند! بر بسیاری مسلّم بود که رضا

پهلوی فاقد قدرت اندیشه و صلاحدید سیاسی است، اما این رویداد بر همگان مشخص ساخت که او از مشاوران زمان آگاه و موقعیت‌سنجی نیز برخوردار نیست، به رغم پول پاشی‌های گسترده‌ای که او و حامیانش برای مطرح نگه داشتن وی انجام می‌دهند. مقال پی آمده درصدد است با استناد به دیدگاه پاره‌ای از صاحب نظران، ابعاد این خبیث تاریخی را نمایان سازد.

■ ■ ■

■ در راه اسرائیل هستم!

■ در راه اسرائیل هستم. هدف من از این سفر، ابلاغ پیام دوستی ملت ایران، گفت‌وگو با متخصصان آب اسرائیلی درباره چگونگی مواجهه با بحران منابع آب ایران و ادای احترام به قربانیان هولناک است، همزمان با روز یادبودشان است. پیوند دیرین میان دو ملت ایران و اسرائیل می‌تواند دوباره برقرار شود و به هر دو ملت سود برساند. به اسرائیل می‌روم تا نقشم برای ساختن آن آینده روشن‌تر را ایفا کنم…».

این چند خط توثیق فرزند شاه مخلوع کافی بود تا موج گسترده‌ای از حیرت و داوری‌های منفی فعالان سیاسی، از همه جریانات موجود برانگیزد و آنان را به مذمت و حتی تمسخر این اقدام واداردا تقریباً در بوق‌هایی که بابت مطرح ساختن «شاه‌ه» پول دریافت می‌کنند، تمامی ناظران مستقل سیاسی این اقدام را ناشی از موقع ناشناسی، کم‌هوشی و بی‌دانشی رضا پهلوی قلمداد کردند! آنان که با تاریخ ارتباط ایران و اسرائیل اندکی آشنایی داشتند، این داوری را مطرح ساختند که شاه مخلوع در برقراری ارتباط با این کشور، بس محتاطانه عمل کرد و فرزندش حتی در حد پدر نیز شرایط جاری دنیا، ایران و اسرائیل را درک نمی‌کند. خبرگزاری فارس در همان روزها، این موضوع را به ترتیب پی آمده مطرح ساخته است: «اسرائیل در سال ۱۳۲۷ شمسی تشکیل شد، یک سال بعد ایران اسرائیل را شناسایی

# تاریخ

تاریخ۸۸۴۹۸۲۷



فرزند شاه مخلوع و طرحی از نابخردی که در تاریخ ماندگار شد!

# دخیل بستن به نتانیاہو در مجاورت سطل‌های زباله!

موقت کرد. در سال‌های بعد روابط غیررسمی ایران

و اسرائیل، بسیار گسترده شد. نمایندگان سیاسی در پایتخت‌ها مستقر شدند و رفت‌وآمد هنرمندان و دانشجویان برقرار شد. روابط اطلاعاتی موساد و ساواک، در حیطه‌های مختلف منطقه‌ای توسعه یافت. ارتش اسرائیل و ارتش ایران، در سطوح عالی باهم در تعامل قرار گرفتند. اما مسئولان ایران هیچ گاه جرئت نکردند این رابطه را علنی و رسمی و به آن افتخار کنند. مسئولان اطلاعاتی و سیاسی عالی‌رتبه اسرائیلی به ایران می‌آمدند و با شاه هم دیدار می‌کردند، اما نه مسفر و نه دیدارشان خبری نمی‌شد. شاه می‌دانست در حالی که احساسات ضداسرائیلی در کشورهای مسلمان و مردم ایران در اوج است، از نباط و حتی نزدیکی با اسرائیل یک پوئن منفی بزرگ است؛ چیزی که فرزندش از درک آن عاجز است…».

■ **مهاجرانی؛ شاه‌ده، اسرائیلی‌ها بابات را سر کار گذاشتند!**

پس از انتشار توثیق «در راه اسرائیل هستم»، عطاالله مهاجرانی، وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی از نخستین کسانی بود که به آن واکنش نشان داد. وی با استناد به ماجرای ریب شاه توسط اسرائیل در فقره فروش کلاهک نفتی به ایران، یادآور شد که ظاهراً شاه‌ده درصدد است تجربه گرانبار پدر را تکرار کند! علاوه بر این زمان ناشناسی وی در انتخاب این مقطع برای سفر، از جمله مواردی بود که مهاجرانی به آن اشارت بُرد و به او توصیه کرد تا به نصیحت «استیون ساخر» گوش فرا دهد و بیش از این خویش را به زحمت نیفکند:

«ما پدر گاوگول شما هم در راه اسرائیل بود. اسحاق رابین و شیمون پرز در سفر محرمانه به ایران، با بابای خجسته شما قرارداد فروش کلاهک اتمی امضا کردند و ۱/۲ میلیارد دلار نفت گرفتند، خوردند و بابات را سر کار گذاشتند، حالا تو در شرایطی که دولت نتانیاہو بحران زده است و جهان دگر شده و جهان اسلام با فلسطینی‌ها متعاطف است و روابط منطقه‌ای ایران با عربستان و دیگر کشورها بازسازی شده است. و در بدترین زمان ممکن در راه اسرائیل هستی! یک آدم عاقل نبود که بگوید: شاه‌ده، الان وقت سفر نیستت یا محرمانه برو! خاطرات علم و بخون! سر بابات کلاه گذاشتن و خندیدند! بابات فهمید! بلاهت دیگر شاه‌ده، انتخاب زمان سفر بعد از

حضور فراگیر ملت ایران و ملت‌های مسلمان منطقه در روز قدس است. ملت ایران در روز قدس پیام خود را فرستاده‌اند، شاه‌ده حامل پیام چه کسانی کارشناس طرفدار پهلوی در شبکه تلویزیونی World BBC گوش کرده و با سیاست‌های همیشه خداحافظی می‌کرد…».

■ **دمو کراسی و حقوق مردم خوب است، اما فقط برای اسرائیلی‌ها؟!**

صادق زیباکلام در عداد آن طیف از وابستگان به جریان اصلاحات است که در سالیان اخیر خواسته نزدیک‌ی‌ها امریکا و حضور در کنفرانس امنیتی ناخواسته، به جریان تطهیر پهلوی فراوان مدد رسانده است! هویت فکری او چندان مشخص نیست و به طور مشخص، به نوعی دوقطبی فکری و حسی دچار است! بسته به آن است که در کجا و با چه حس و شرایطی به موضع‌گیری بپردازد! با این همه ماجرای مشفق مسفر رضا پهلوی به اسرائیل، او را نیز به سخن آورد و در استیضاحی از تناقضات موضوع

و رفتار وی نوشت: «جناب پهلوی، سفر شما به اسرائیل، از بسیاری جهات اسا اهمیت بود…! ما پشت کردن و سکوت باور نکردنی تان در قبال فلسطینی‌ها در طول این سفر، تأسفا آور و غیر قابل قبول بود. حتماً می‌دانید که طبق تصمیم تاریخی مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۲۷، سرزمین فلسطین به دو کشور اسرائیل و فلسطین تقسیم شد. اولی به‌وجود آمده و دومی همچنان بعد از ۷۵سال در انتظار تولد است. رهبران و شخصیت‌های بین‌المللی که به اسرائیل سناز می‌کنند، به صورت مسخلیک هم که هستند، از این تأسفا‌آورتر، در تمامی سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های تان حتی یک بار هم اشاره‌ای به حقوق فلسطینی‌ها نکردید. این در حالی بود که محور تمامی سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایی که داشتید، وی دوم کراسی و حقوق مردم تأکید می‌فرمودید. چنان پهلوی، حضر تعالی برای ابراز همدردی و محکومیت تورریسم، به دیدار خانواده یهودی انگلیسی در کرانه نقلیه بوده و آرزوی نهایی صهیونیست‌ها، را بدوی نابدی مسجدالاقصی و ساخت مجدد معبد یهودی است. حضور پسر شاه مخلوع در این نقطه، از منظر هویتی قابل تأمل است. نخندت‌وزیران رژیم‌صهیونیستی اغلب سکولار، ولی معتقد به نمادهای آیینی یهودیت نظیر عید پشخ هستند. رؤسای جمهور امریکا و سران کشورهای اروپای غربی تماماً سکولار، ولی معتقد به نمادهای آیینی مسیحیت نظیر کر یسمس (گرامیداشت زادروز مسیح) و عید پاک (اعتقاد مسیحیان مبنی بر مصلوب شدن مسیح) هستند. پادشاهان سنی نظیر اردن، امارات، مراکش و عربستان، معتقد به مظاهر اهل سنت هستند، حتی محمدرضا پهلوی نیز تلاش می‌کرد با حضور در مرقد امام (رضاع) و ابراز ارادت به امیرالمؤمنین(ع) نظیر پادشاهان سلف خود به عنوان تنها شاه شیعی جهان معرفی شود. حال پسر همان شاه، کییا (Kippah) ی یهودیان روی سر خود گذاشته است و مناسک یهودیان را در جوار دیوار ندبه یهودیان انجام می‌دهد. بعد است تا به حال کسی دیده باشد که رضا پهلوی انگشتر عقیق شیعی به دست کند و در جوار دیوار کعبه، داعی ندبه برای امام زمان بخواند! چگونه است که

آنان که تاریخچه روابط ایران و

اسرائیل و نیز شرایط امروزین نتانیاہو، نخست وزیر اکنون آن را می‌دانند، سفر علنی فرزند شاه مخلوع به اسرائیل ومیاهی شدن به گفت‌وشنود با فردی را که در کشور خویش نیز جایگاه خود را از دست داده است، یک نابخردی تاریخی و ماندگار قلمداد می‌کنند! بر بسیاری مسلّم بود که رضا پهلوی فاقد قدرت اندیشه و صلاحدید سیاسی است، اما این رویداد بر همگان مشخص ساخت که او از مشاوران زمان آگاه و موقعیت‌سنجی نیز برخوردار نیست

نتیجه خشونت اسرائیلی‌ها کشته شده‌اند. آیا آنها از دید شاهزاده واجد همدردی نبودند؟ آیا خانواده فلسطینی شیرین ابو‌عقله خیرنگار جوان تلویزیون الجزیره که با شلیک مستقیم سربازان اسرائیلی کشته می‌شود، همچون آن خانواده یهودی انگلیسی واجد همدردی نبودند؟ جناب شاهزاده، شما به احترام هموطنان یهودی تان به زیارت دیوار ندبه رفتید. آیا هرگز تصور نکردید که به احترام هموطنان مسیحی و مسلمان تان، به دیدار کلیسای مقدس محل تولد حضرت عیسی‌بن‌مریم(ع) و مسجدالاقصی هم می‌رفتید؟…».

■ **آوزان شدن به اسرائیل، در بی‌نامیدی از امریکا**

دامنه انتقادات از رضا پهلوی، از رسانه‌های مستقل فراتر رفت و حتی به «تله‌ویزیون»هایی که تلینات برای وی را از اولویت‌های خود قرار داده‌اند نیز رسید. به واقع این قاب‌های ابتدال نیز نهایتاً نتوانستند نسبت به موج گسترده واکنش به خبیث شاه‌ده بی‌تفاوت بمانند و آن را به حداقلی‌ترین شکل ممکن، بازتاب ندهند! به عنوان نمونه:

«نیما توکتکینی، پژوهشگر جامعه‌شناسی در دانشگاه جانز هاپکینز در پاسخ به صحبت‌های کارشناس طرفدار پهلوی در شبکه تلویزیونی BBC فارسی گفت: برای من سخت است که حرف‌های ایشان را بشنوم و خنده‌ام بگیرد! از آنجا که پهلوی توان اثر گذاری در داخل کشور را ندارد، تنها کاری که می‌تواند انجام دهد، آوزان شدن به قدرت‌های خارجی است. پس از آن نزدیک‌ی‌ها امریکا و حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ، وقتی دید آنان‌به دنبال برقراری توافق حرف‌های ایشان را بشنوم و خنده‌ام بگیرد! از آنجا که پهلوی توان اثر گذاری در داخل کشور را ندارد، تنها کاری که می‌تواند انجام دهد، آواز کرد. براساس مثال در ماه رمضان قشون را به روزه گرفتن تشویق کرد، در ادارات روزه‌خواری را ممنوع کرد، دستور داد در شب‌های احیا در نظمیه و ادارات همه قرآن به سر بگیرند. و به این ترتیب خاطر‌های یبنداری ایسام وزارت جنگ خود را به رخ کشید و به دستور او تمام این مطالب را با آب و تاب کامل، در روزنامه‌های می‌نوشتند. در نمونه‌ای دیگر در ۲۸خرداد ۱۳۰۳، رضاخان طی نامه‌ای از وزارت معارف، دستور داد نظار شریعت بر مندرجات مطبوعات بوده و از درج مسائل خلاف شرع جلوگیری و مرتکبان منہیات شرعی را تنبیه کند…».

■ **انقلاب در خور تحسین ۵۷، با دستاوردهایی چون خلع رضا پهلوی از ولایتعهدی**

سفر «شاهزاده» به اسرائیل، با فروپاشی اتحادوی مخلوع، مناجات‌خوانی وی پشت دیوار ندبه یهودیان با کلاه مخصوص آنان بود! این اقدام در سفر به عراق، به زیارت اعتاب مقدسه در عراق برود و زیارت‌نامه بخواند یا در مراسم عزاداری شیعیان، به سینه‌زنی و قمه‌زنی بپردازد! در سفر رؤسای جمهور یا نخست‌وزیران به کشورهای دیگر، ادای احترام به نمادهای ملی آنان از جمله مسفر، تأسفا آور و غیر قابل قبول بود. حتماً می‌دانید که سابقه می‌نماید! این پرسش موجب شد که آیا رضا پهلوی تا این حد به یهودیت یا بهائیت نزدیک شده است؟ به گاه این رویداد، خبرگزاری فارس در تحلیلی چنین آورد:

«هویت دینی رضا پهلوسی و طرفداران او چیست؟ رضا پهلوی تصویری از خود منتشر کرده که در جوار دیوار ندبه یهودیان است! این دیوار مقدس ترین مکان برای یهودیان جهان و به نوعی قبله‌گاه نمازهای آنان است. یهودیان معتقدند معبد سلیمان(ع) در این نقطه بوده و آرزوی نهایی صهیونیست‌ها، نابودی مسجدالاقصی و ساخت مجدد معبد یهودی است. حضور پسر شاه مخلوع در این نقطه، از منظر هویتی قابل تأمل است. نخندت‌وزیران رژیم‌صهیونیستی اغلب سکولار، ولی معتقد به نمادهای آیینی یهودیت نظیر عید پشخ هستند. رؤسای جمهور امریکا و سران کشورهای اروپای غربی تماماً سکولار، ولی معتقد به نمادهای آیینی مسیحیت نظیر کر یسمس (گرامیداشت زادروز مسیح) و عید پاک (اعتقاد مسیحیان مبنی بر مصلوب شدن مسیح) هستند. پادشاهان سنی نظیر اردن، امارات، مراکش و عربستان، معتقد به مظاهر اهل سنت هستند، حتی محمدرضا پهلوی نیز تلاش می‌کرد با حضور در مرقد امام (رضاع) و ابراز ارادت به امیرالمؤمنین(ع) نظیر پادشاهان سلف خود به عنوان تنها شاه شیعی جهان معرفی شود. حال پسر همان شاه، کییا (Kippah) ی یهودیان روی سر خود گذاشته است و مناسک یهودیان را در جوار دیوار ندبه یهودیان انجام می‌دهد. بعد است تا به حال کسی دیده باشد که رضا پهلوی انگشتر عقیق شیعی به دست کند و در جوار دیوار کعبه، داعی ندبه برای امام زمان بخواند! چگونه است که



رضا پهلوی در دیدار با نخست‌وزیر و وزیر اطلاعات اسرائیل

رضا پهلوی به هویت یهودیان اشغالگر احترام می‌گذارد ولی خود و طرفدارانش، مکرراً در حال توهین به هویت شیعی مردم ایران هستند…».

■ **ریساکاری مذهبی؛ عادت دیرین پهلوی‌ها**

با انتشار تصاویر دعای رضا پهلوی پشت دیوار ندبه، عده‌ای از تاریخ‌پژوهان، پیشینه خاندانی وی در ریساکاری مذهبی را به یاد آوردند. رضاخان پس از کودتا و برای عوام‌فریبی، تظاهر به دینداری را در دستور کار خویش قرار داد و در ایام محرم، گل به سر می‌مالید و پیشاپیش دسته قزاقان به سینه زنی می‌پرداخت! پسرش محمدرضا نیز بارها خود را نظر کرده امیرمؤمنان(ع) و کمر بسته حضرت عباس(ع) معرفی می‌نمود. تاریخ‌نگاران در این باره موارد متعددی را به ثبت رسانده‌اند که آنچه در پی می‌آید در عداد آنهاست:

«حسن اعظام الوزاره قدسی- که خود ناظر سینه‌زنی رضاخان بوده است- در تاریخ خود می‌نویسد: سردار سپه روز دهم محرم، عاشورا، به همراه دسته قزاق با یک هیئت از صاحب‌منصبان، در جلو و افرادی بسا بیرق‌ها و کتل با نظم و تشکیلات مخصوص از قزاق‌خانه حرکت می‌کرد. این دسته از میدان توپخانه و خیابان ناصریه، به بازار می‌آمد. صاحب‌منصبان در جلو و در جلوی آنها سردار سپه با یقه باز و روی سرش کلاه، حرکت می‌کرد. غالب آنها به سرشان گل زده بودند و پای برهنه وارد بازار شدند. بروضح است که مشاهده این حال در مردم خوش‌باور، خالی از تأثیر نبود و شخص وزیر جنگ از این پس بین عامه مردم، یک شخص مذهبی و مخصوصاً پایبند به عزاداری- که ایرانیان خیلی به آن علاقه‌مند هستند- معرفی شد. ایشان (رضاخان) شب‌ها به مجالس روضه اصناف می‌رفت و در مجالس روضه آنها شرکت می‌کرد. بعضی از عواظ و روضه‌خوان‌ها روی منبر از او تعریف کرده و او را دعا می‌کردند. ظاهراً تظاهر به دینداری رضاخان پس از یکی، دو سال برای مدت کوتاهی متوقف شد، ولی پس از انتصاب به مقام نخست‌وزیری، مجدداً برای پیشبرد اهداف خویش و کشم‌زدن احمدشاه، به تظاهر و ریساکاری اقدام کرد دوگانه او اعتقاد چندانی به شعائر مذهبی نداشت، از این رو رضاخان دوباره حربه مذهب را پذیرفت، اما این بار در مقامی جدید و بر همین مبنا عوام‌فریبی و تظاهرات، دروغگوئی را داشت آغاز کرد. براساس مثال در ماه رمضان قشون را به روزه گرفتن تشویق کرد، در ادارات روزه‌خواری را ممنوع کرد، دستور داد در شب‌های احیا در نظمیه و ادارات همه قرآن به سر بگیرند. و به این ترتیب خاطر‌های یبنداری ایسام وزارت جنگ خود را به رخ کشید و به دستور او تمام این مطالب را با آب و تاب کامل، در روزنامه‌های می‌نوشتند. در نمونه‌ای دیگر در ۲۸خرداد ۱۳۰۳، رضاخان طی نامه‌ای از وزارت معارف، دستور داد نظار شریعت بر مندرجات مطبوعات بوده و از درج مسائل خلاف شرع جلوگیری و مرتکبان منہیات شرعی را تنبیه کند…».

■ **انقلاب در خور تحسین ۵۷، با دستاوردهایی چون خلع رضا پهلوی از ولایتعهدی**

سفر «شاهزاده» به اسرائیل، با فروپاشی اتحادوی مخلوع، مناجات‌خوانی وی پشت دیوار ندبه یهودیان با کلاه مخصوص آنان بود! این اقدام در سفر به عراق، به زیارت اعتاب مقدسه در عراق برود و زیارت‌نامه بخواند یا در مراسم عزاداری شیعیان، به سینه‌زنی و قمه‌زنی بپردازد! در سفر رؤسای جمهور یا نخست‌وزیران به کشورهای دیگر، ادای احترام به نمادهای ملی آنان از جمله مسفر، تأسفا آور و غیر قابل قبول بود. حتماً می‌دانید که سابقه می‌نماید! این پرسش موجب شد که آیا رضا پهلوی تا این حد به یهودیت یا بهائیت نزدیک شده است؟ به گاه این رویداد، خبرگزاری فارس در تحلیلی چنین آورد:

«هویت دینی رضا پهلوسی و طرفداران او چیست؟ رضا پهلوی تصویری از خود منتشر کرده که در جوار دیوار ندبه یهودیان است! این دیوار مقدس ترین مکان برای یهودیان جهان و به نوعی قبله‌گاه نمازهای آنان است. یهودیان معتقدند معبد سلیمان(ع) در این نقطه بوده و آرزوی نهایی صهیونیست‌ها، نابودی مسجدالاقصی و ساخت مجدد معبد یهودی است. حضور پسر شاه مخلوع در این نقطه، از منظر هویتی قابل تأمل است. نخندت‌وزیران رژیم‌صهیونیستی اغلب سکولار، ولی معتقد به نمادهای آیینی یهودیت نظیر عید پشخ هستند. رؤسای جمهور امریکا و سران کشورهای اروپای غربی تماماً سکولار، ولی معتقد به نمادهای آیینی مسیحیت نظیر کر یسمس (گرامیداشت زادروز مسیح) و عید پاک (اعتقاد مسیحیان مبنی بر مصلوب شدن مسیح) هستند. پادشاهان سنی نظیر اردن، امارات، مراکش و عربستان، معتقد به مظاهر اهل سنت هستند، حتی محمدرضا پهلوی نیز تلاش می‌کرد با حضور در مرقد امام (رضاع) و ابراز ارادت به امیرالمؤمنین(ع) نظیر پادشاهان سلف خود به عنوان تنها شاه شیعی جهان معرفی شود. حال پسر همان شاه، کییا (Kippah) ی یهودیان روی سر خود گذاشته است و مناسک یهودیان را در جوار دیوار ندبه یهودیان انجام می‌دهد. بعد است تا به حال کسی دیده باشد که رضا پهلوی انگشتر عقیق شیعی به دست کند و در جوار دیوار کعبه، داعی ندبه برای امام زمان بخواند! چگونه است که

رضا پهلوی در پشت دیوار ندبه یهودیان مناجات می‌کند